

تمایل به خودکشی در میان دانشجویان: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو

اکبرعلیوردی‌نیا، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران*

ندا یوسفی، کارشناس ارشد پژوهشی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

چکیده

نظریه فشار عمومی اگنیو، یکی از معروفترین نظریه‌های جرم‌شناختی است. معروفیت این نظریه ناشی از قلمرو و گستره آن است که به محققان اجازه می‌دهد درباره آثار طیفی از محرک‌های تنش‌زای ساختاری و روان‌شناختی بر روی گستره‌ای از پیامدهای آسیب‌زا تحقیق کنند. گرچه این نظریه، افزون بر تبیین جرم توسعه یافته و مورد آزمون قرار گرفته، همچنین می‌تواند برای رفتارهای مشابه مثل سوء‌مصرف مواد، رفتارهای انحرافی و خودکشی نیز استفاده شود. از آنجا که بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که در داخل کشور پژوهشی در زمینه بررسی خودکشی دانشجویان از دیدگاه نظریه فشار اگنیو انجام نشده است، لذا در پژوهش حاضر، کاربردپذیری این نظریه در تبیین تمایل به خودکشی در میان دانشجویان مورد آزمون قرار گرفت. هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین تمایل به خودکشی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران بوده است. برای نیل به این منظور از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ تشکیل داده‌اند، که در مجموع ۴۳۸ نفر از این دانشجویان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای و حذف محرک مثبت با متغیر وابسته (تمایل به خودکشی) رابطه مستقیم و معناداری داشته‌اند. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین فشار و حالات عاطفی منفی دانشجویان مشاهده شده است. قویترین پیش‌بینی‌کننده تمایل به خودکشی، حذف محرک مثبت است و پس از آن فشار منزلتی و رابطه‌ای در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: تمایل به خودکشی، فشار رابطه‌ای، فشار منزلتی، احساسات منفی.

مقدمه

مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه؛ یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌ها می‌شوند. این مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می‌آید و مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام در جهت اصلاح و رفع و یا پیشگیری از آنها و می‌دارد (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱). یکی از رفتارهای پرخطر در جامعه کنونی که در زمره مسائل و آسیب‌های اجتماعی رایج قرار می‌گیرد، خودکشی است، که تغییر ساختاری و جوانتر شدن افراد جوانی که اقدام به این رفتار می‌کنند نیز بر اهمیت این مسأله افزوده است (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). این پدیده به عنوان نقطه پایانی طیفی توصیف شده که با ایده پردازی خودکشی^۱ (فکر کردن به خودکشی) شروع و با برنامه‌ریزی و آماده‌سازی برای خودکشی^۲ و در نهایت با تهدید، اقدام و تکمیل خودکشی^۳ همراه می‌شود (باریوس^۴ و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۲۹). تحقیقات نشان داده‌اند که سابقه گذشته از اقدام به خودکشی، بهترین شاخص برای اقدام به خودکشی و خودکشی کامل در آینده است (اسپوزیتو^۵ و همکاران، ۲۰۰۳).

خودکشی یک مسأله بهداشتی مهم در میان جوانان در سرتاسر جهان است (هیرسچ^۶ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۷۷)؛ به طوری که براساس آمارها و پژوهش‌های موجود در خارج از کشور، سومین علت عمده مرگ در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال (هویرت^۷ و همکاران، ۱۹۹۹؛ اندرسون^۸ و اسمیت، ۲۰۰۳) و دومین

علت عمده مرگ در میان دانشجویان است (شوارتز^۹، ۲۰۰۶، مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، ۲۰۰۷، ونگ^{۱۰}، ۲۰۱۱: ۳؛ محمدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). طبق مطالعه‌ای که در سال (۲۰۰۱) در کشور ایالات متحده صورت گرفت، مشخص شد که ۹/۵ درصد از دانشجویان کالج در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ به صورت جدی به خودکشی فکر می‌کنند و ۱/۵ درصد از آنها نیز به خودکشی اقدام کرده‌اند (کیسج^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر این یافته‌های مطالعه‌ای دیگر در ایالات متحده گویای آن بود که در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴، ۱۴۰۴ مورد خودکشی در طول این ۱۴ سال گزارش شده است که میزان آن معادل ۶/۵ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار دانشجو بوده است (شوارتز، ۲۰۰۶).

در ایران نیز شواهد موجود بیانگر آن است که میزان خودکشی، بخصوص در میان جوانان در سال‌های اخیر در حال افزایش است. مطابق با آمار دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در ایران در فاصله سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳، ۲۹۲ مورد خودکشی در بین دانشجویان گزارش شده، که از این میان ۲۵ مورد (۸/۶ درصد) خودکشی کامل بوده است (رضایی آدریانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲). همچنین، پناغی و همکاران (۱۳۸۷) با بررسی آمار پزشکی قانونی نشان دادند در سال‌های ۸۵-۱۳۸۳ تعداد ۲۳۰ خودکشی در دانشجویان زیر پوشش وزارت علوم رخ داده است، که بر پایه آن بیشینه نرخ خودکشی دانشجویی در ایران ۳ در ۱۰۰۰۰۰ نفر است. بنابراین، می‌توان گفت که دانشجویان به عنوان قشر جوان جامعه، از جمله گروه‌های سنی آسیب‌پذیر در برابر خودکشی هستند. دوران دانشجویی، دوره انتقالی مهمی است که طی آن فرد فشارهای تحصیلی، انتخاب‌های شغلی، تصمیم‌گیری در مورد اهداف زندگی و تنهایی و دوری از خانواده و شبکه حمایت اجتماعی را پشت سر می‌گذارد (پناغی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸). خودکشی و ایده‌پردازی خودکشی در میان جوانان با

¹ Suicide Ideation

² planning and preparing for suicide

³ threatening, attempting, and completing suicide

⁴ Barrios

⁵ Esposito

⁶ Hirsch

⁷ Hoyert

⁸ Anderson

⁹ Schwartz

¹⁰ Wong

¹¹ Kisch

کنند (همان: ۲۲۰). در واقع، گرچه این نظریه، برای تبیین جرم توسعه یافته و مورد آزمون قرار گرفته، همچنین می‌تواند برای رفتارهای مشابه مثل سوء مصرف مواد، رفتارهای انحرافی و خودکشی نیز استفاده شود (استاک^۷ و واسرمان، ۲۰۰۷: ۱۰۴). نظریه نظریه فشار عمومی اگنیو، به ویژه برای تبیین خودکشی در میان جوانان مناسب است، چون آنها فاقد قدرت هستند و اغلب مجبورند تا در موقعیتهایی که آن را آزارنده می‌دانند، باقی بمانند (والز و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۱). لذا، تحقیق حاضر به دنبال تبیین جامعه‌شناختی تمایل به خودکشی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران است. به عبارت دیگر، هدف از تحقیق حاضر این است که طیفی از محرک-های تنش‌زا از دیدگاه نظریه فشار عمومی اگنیو در ارتباط با رفتارهای خودکشانه^۸ بررسی کند. از آنجا که بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند، در داخل کشور پژوهشی در زمینه بررسی خودکشی دانشجویان از دیدگاه نظریه فشار اگنیو انجام نشده است. لذا انجام این تحقیق نه تنها موجب ارزشیابی یا تأیید اعتبار تجربی این نظریه می‌شود، بلکه می‌تواند به نحو بهتری ما را در شناخت علل و عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای خودکشانه و ارائه راهکارهای مؤثر بر مبنای نظریه فشار عمومی اگنیو یاری رساند. علاوه بر این، مطالعه تمایل به خودکشی به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا برنامه‌های لازم برای کنترل و کاهش رفتارهای خودکشانه در میان دانشجویان را بر اساس دلالت‌های سیاسی^۹ مبتنی بر نظریه‌های های فشار، به خصوص نظریه فشار عمومی اگنیو طراحی و اجرا کنند.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده در داخل کشور، اگرچه در مورد خودکشی و مسائل مربوط به آن پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، ولی به نظر می‌رسد که هیچ تحقیقی

پیش‌بینی‌کننده‌هایی، مثل طرد و احاطه اجباری خانواده (فریدنتهال^۱ و استیفمن، ۲۰۰۴؛ پلکونن^۲ و ماراتونن، ۲۰۰۳؛ بچتولد^۳، ۱۹۹۴) عملکرد تحصیلی ضعیف (گروسمن^۴، میلیگان و دیو، ۱۹۹۱) و مسائل مربوط به سلامت روانی، از جمله افسردگی (لماستر^۵ و همکاران، ۲۰۰۴؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۲، به نقل از والز و همکاران، ۲۰۰۷) پرخاشگری، نومیدی، کمالگرایی و عزت نفس پایین (وات و شارپ، ۲۰۰۲: ۲۳۵) گره خورده است.

به علت نقش مهمی که دانشجویان در اداره آینده کشور به عهده دارند، توجه به سلامت روان آنها و آشنایی با مسائل و مشکلاتی که در واقع شالوده بحران‌های رفتاری، به ویژه رفتار اجتماعی آنان است، ضروری است و هر گونه عدم آشنایی با این مسائل، ممکن است سبب تشدید واکنش‌های زمینه‌ساز در بروز رفتارهای غیرعادی خطرناکی شود که می‌تواند دامنگیر جامعه هم گردد. در این شرایط جامعه نه تنها بخشی از نیروهای مولد خود را از دست می‌دهد، بلکه به علت بیماری‌ها، معلولیت‌ها و آسیب‌های جسمی و روانی-اجتماعی ناشی از این معضل، باید هزینه‌های نگهداری و ارائه مراقبت‌های خاص را برای سال‌های طولانی بپذیرد. از سوی دیگر، خودکشی به سلامت روان اعضای خانواده قربانیان آسیب می‌زند، تأثیرات منفی بر زندگی اجتماعی آنها به جای می‌گذارد و احتمال وقوع آن را در محیط خانواده و اجتماع افزایش می‌دهد (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). لذا، شناخت همه جانبه این پدیده در میان جوانان و دانشجویان در جهت اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، ضروری به نظر می‌رسد.

نظریه فشار عمومی اگنیو^۶، که امروزه یکی از معروفترین نظریه‌های جرم‌شناختی است و معروفیت آن ناشی از قلمرو و گستره آن است، به محققان اجازه می‌دهد تا در مورد آثار طیفی از محرک‌های تنش‌زای ساختاری و روان‌شناختی بر روی گستره‌ای از پیامدهای آسیب‌زا تحقیق

¹ Freedenthal

² Pelkonen

³ Bechtold

⁴ Grossman

⁵ Lemaster

⁶ Agnew

⁷ Stack

⁸ suicidal behaviors

⁹ Policy implications

و فشارهای منزلتی و رابطه‌ای به عنوان متغیرهای مستقل در این تحقیق هستند. یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان دادند که بین ۱۹۰۰۰ نوجوانی که با آنها مصاحبه شد، ۲ تا ۶ درصدشان اظهار کردند که در یک سال گذشته به خودکشی اقدام نموده‌اند که این میزان، برای زنان به طور در خور توجهی بیشتر از مردان بوده است. نتایج همچنین نشان‌دهنده آن بود که مردان و زنان به هر دو نوع فشار (رابطه‌ای و منزلتی) واکنش نشان می‌دهند، اما زنان تمایل بیشتری نسبت به فشارهای رابطه‌ای و مردان نیز تمایل بیشتری به فشارهای منزلتی مرتبط با اقدام به خودکشی دارند. به طور کلی، از مهمترین یافته‌های این تحقیق این بوده که داشتن دوستان نزدیک، به صورت مثبت با اقدام به خودکشی برای زنان رابطه دارد.

والز و همکاران (۲۰۰۷) پژوهشی را با عنوان "فشار، هیجان و خودکشی در میان جوانان آمریکایی" انجام داده‌اند که در آن مطلوبیت نظریه فشار عمومی اگنیو، برای تبیین رفتارهای خودکشانه در میان جوانان آمریکایی مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. داده‌های این پژوهش از ۷۲۱ جوان از آمریکای مرکزی و کانادا گردآوری شد. در این مطالعه آثار فشار و محرک‌های تنش‌زا بر روی خودکشی از طریق آزمون آثار واسطه‌ای احساسات منفی بر روی روابط بین محرک‌های تنش‌زا و تمایل به خودکشی، مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن بود که فشارها و محرک‌های تنش‌زای متعددی با تمایل به خودکشی در ارتباطند که عبارتند از: سخت‌گیری والدین، بی‌سپرستی، گرایش‌های منفی مدرسه و مورد تبعیض قرار گرفتن. یافته‌ها همچنین نشان دادند که علایم افسردگی و خشم به عنوان آثار واسطه‌ای، پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی برای خودکشی محسوب می‌شوند.

سیگفوس دوتیر^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "مدل اثرات بهره‌کشی جنسی بر روی رفتار خودکشانه

نظریه فشار عمومی اگنیو را به عنوان یک مدل تبیینی برای خودکشی مورد آزمون قرار نداده است. از این رو، در این تحقیق در بخش تحقیقات داخلی صرفاً به تحقیقاتی پرداخته شد که صرف نظر از چهارچوب نظری‌شان به بررسی خودکشی در میان دانشجویان پرداخته‌اند. بر خلاف تحقیقات داخلی، با بررسی تحقیقات انجام شده در خارج از کشور، مشخص شد که شمار اندکی از این تحقیقات، این نظریه را به عنوان یک مدل تبیینی برای خودکشی آزمون کرده‌اند. از این رو، در بخش تحقیقات خارجی صرفاً به تحقیقاتی که از دیدگاه نظریه فشار عمومی اگنیو به بررسی خودکشی پرداخته‌اند، اشاره شده است.

اگنیو (۱۹۹۸) پژوهشی را با عنوان "پذیرش خودکشی^۱: یک مدل روان‌شناختی اجتماعی" انجام داده است که هدف از انجام آن، توسعه و آزمون مدلی بود که در پی تبیین تغییرات فردی در پذیرش خودکشی بر حسب ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی در محیط اجتماعی بود. مدل مورد نظر بر اساس سه تئوری عمده در جرم و انحراف؛ یعنی تئوری‌های فشار، یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی طراحی شده بود. در این تحقیق، از داده‌های مربوط به پیمایش عمومی اجتماعی^۲ سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ که توسط مرکز تحقیقات نظرسنجی ملی در دانشگاه شیکاگو صورت گرفته است، استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که فشار، استرس و پیوند اجتماعی ضعیف با دیگران نسبتاً تأثیر کمی بر پذیرش خودکشی دارند.

وات و شارپ (۲۰۰۱) پژوهشی را با عنوان "تفاوت‌های جنسیتی در فشارهای مرتبط با رفتارهای خودکشی‌گرا در میان نوجوانان" انجام داده‌اند، که برای این کار از داده‌های بهداشتی نوجوانان در ایالت کارولینای شمالی آمریکا استفاده شده است. مطالعه مذکور، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، اطلاعاتی را در مورد اقدام به خودکشی برای تقریباً ۱۹ هزار نوجوان فراهم نمود. اقدام به خودکشی به عنوان متغیر وابسته

^۱ Approval of Suicide

^۲ GSS

^۳ Sigfusdottir

است، در ارتباط با خودکشی شناسایی شد و نظریه فشار از خودکشی، با داده‌های چینی مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل مردان و زنان جوان در گروه‌های سنی ۱۵-۳۴ سال از ۱۶ منطقه روستایی در چین در سال ۲۰۰۸ هستند، که از این تعداد ۳۹۲ مورد خودکشی و ۴۱۶ گروه کنترل به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه مورد نظر با دو فرد مطلع برای هر خودکشی و هر گروه کنترل مصاحبه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که ازدواج و مذهب یا تعصب مذهبی در میان زنان جوان روستایی، عامل تمایز گروه خودکشی از گروه کنترل نیستند و فشارهای روان‌شناختی در شکل‌هایی از قبیل: محرومیت نسبی، آرزوهای تحقق‌نیافته و فقدان مهارت‌های مقابله با خودکشی ارتباط معناداری داشتند.

با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل کشور، می‌توان گفت که تعداد کمی از این تحقیقات در زمینه بررسی خودکشی در میان دانشجویان بوده است، که از این میزان، تنها تعداد ناچیزی گرایش به خودکشی را در این گروه جمعیتی بررسی کردند. همچنین، تعداد اندکی از تحقیقات انجام شده در زمینه خودکشی در میان دانشجویان از منظر جامعه‌شناختی این پدیده را بررسی کردند. علاوه بر این، با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل کشور، می‌توان گفت که به نظر می‌رسد هیچ تحقیقی نظریه فشار عمومی آگنیو را به عنوان یک مدل تبیینی برای خودکشی آزمون نکرده است. متأسفانه، به واسطه مدیکالیزه شدن مسائل اجتماعی عمده تحقیقات داخلی انجام شده در این زمینه، از منظر روان‌شناختی و پزشکی به این مسأله پرداختند که اغلب آنها به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روانی و همچنین، وضعیت سلامت جسمانی فرد خودکشی می‌پردازند و خلأ جدی در این حوزه پژوهشی وجود دارد. مدیکالیزه شدن، فرآیندی است که در آن مشکلات غیرپزشکی به نوعی تعریف می‌شود و به گونه‌ای برخورد می‌شود که گویی مسأله‌ای پزشکی است. در این فرآیند، با هویت پزشکی بخشیدن به حوزه‌هایی که قبلاً غیرپزشکی تعریف می‌شد، مثل

و بزهکاری: نقش احساسات به عنوان عوامل واسطه‌ای" با استفاده از آزمون برخی از اصول نظریه فشار عمومی آگنیو به بررسی این پرداختند که آیا حالات افسردگی و خشم به عنوان آثار واسطه‌ای بهره‌کشی جنسی، بر روی رفتارهای خودکشانه و بزهکاری تأثیر دارند یا نه؟ داده‌های این پژوهش از پیمایش ملی نوجوانان ایسلندی در سال ۲۰۰۴ جمع‌آوری شده بود. در این پژوهش مدل‌سازی معادله ساختاری نشان داد که برخلاف بزهکاری به ظاهر مستقیم، که احساس خشم در آن دارای نفوذ بیشتری است، در رفتارهای خودکشانه، افسردگی از نفوذ بیشتری نسبت به احساس خشم برخوردار است.

کافمن^۱ (۲۰۰۹) مقاله‌ای را با عنوان "پاسخ‌های جنسیتی به فشارهای جدی: استدلالی برای نظریه فشار عمومی" انجام داده است. در این پژوهش، از داده‌هایی که قبلاً توسط سازمان ملی سلامت نوجوانان در کارولینا گردآوری و شامل ۱۲۰۱۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر اهل کارولیناست، استفاده شد. کافمن با استفاده از داده‌های مربوط به سلامت نوجوانان، تجربه احساسی و رفتاری ناشی از فشارهای جدی را بر اساس تفاوت‌های جنسیتی آزمون کرد. یافته‌های توصیفی این پژوهش بیانگر آن بودند که هم تجربه فشار و هم احساسات منفی ناشی از آن، هر دو ماهیتاً جنسیتی هستند. زنان در مقایسه با مردان بیشتر احتمال داشت که دوستان و اعضای خانواده‌ای داشته باشند که در یک سال گذشته خودکشی کرده باشند، درحالی‌که مردان با احتمال بیشتری نسبت به زنان قربانی خشونت شده بودند. یافته‌ها همچنین نشان داد در حالی‌که هیچ تفاوت آماری معناداری بین مردان و زنان با توجه خشم وجود ندارد، زنان سطوح بالاتری از افسردگی را نسبت به مردان گزارش کردند.

تحقیقی دیگر توسط ژانگ و همکاران (۲۰۱۱) با عنوان "تنش‌های روان‌شناختی و خودکشی جوانان در چین" انجام شده است. در این مطالعه، ترکیبی از نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی خودکشی که به فرهنگ چینی مرتبط

¹ Kaufman

آسیب‌های اجتماعی، قلمرو علم پزشکی به حوزه‌های غیرپزشکی نیز گسترش می‌یابد (علی‌وردی نیا، ۱۳۸۹: ۶۹). در واقع، گفتمان پزشکی، بر شخصیت فرد از طریق ابزار بیرونی (پزشکان، روان‌پزشکان، تجویز دارو و...) تمرکز دارد (همان: ۷۰). همچنین، فقدان چهارچوب نظری و ضعف‌های روش‌شناختی از مصادیق بارز بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور در زمینه خودکشی است. از سوی دیگر، بسیاری از این پژوهش‌ها در سطح توصیفی بوده و از حد همبستگی‌های ساده آماری فراتر نرفته است. لذا سهم پژوهش‌های جامعه‌شناختی که مبتنی بر بینش تئوریک بوده و در پی تبیین سهم عوامل اجتماعی مؤثر بر آن باشد، اندک است (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). از مهمترین یافته‌های تحقیقات داخلی که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که عواملی مثل میزان افسردگی، وابستگی به الکل، پیشرفت تحصیلی، نظارت خانواده، طلاق والدین، حمایت اجتماعی و میزان بزهکاری، از جمله عوامل مهمی هستند که با خودکشی دانشجویان در ارتباط هستند.

برخلاف تحقیقات داخلی، در خارج از کشور درباره تئوری فشار عمومی اگنیو و خودکشی مطالعات و پژوهش‌هایی انجام شده است. از مهمترین یافته‌های تحقیقات انجام شده در خارج از کشور که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که عوامل فشارزا مثل: والدین مقتدر، بی‌سرپرستی، تجارب منفی مدرسه، قربانی تبهکاری شدن و فشار اقتصادی، از جمله عوامل مهم در ارتباط با خودکشی بوده و در اکثر موارد حالات عاطفی منفی مثل خشم و افسردگی به عنوان عوامل واسطه‌ای در تبیین خودکشی اثرگذار بوده‌اند. همچنین، اغلب مطالعات انجام شده در این زمینه به ابعاد خاصی از نظریه فشار عمومی اگنیو پرداخته‌اند و جمعیت تحقیق از دانشجویان دانشگاه‌ها یا کالج‌ها نبوده‌اند. لذا جای یک تحقیق جامعه‌شناختی که تمامی منابع فشار اگنیو را برای تبیین خودکشی و آن هم در میان دانشجویان بررسی کند، در این تحقیقات خالی است.

چهارچوب نظری

نظریه‌های فشار از جمله نظریه‌های ساختاری هستند که به دلیل داشتن محدودیت‌هایی در معرض انتقاد شدید قرار گرفته‌اند. به دنبال این انتقادات، رابرت اگنیو از جمله کسانی بود که به حمایت از این نظریه برآمد و برای پاسخ به این انتقادات نظریه مذکور را مورد بررسی مجدد قرار داد و دوباره تدوین کرد (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹: ۹۷). مخربترین عاملی که موجب سقوط نظریه فشار کلاسیک گردید، پشتیبانی تجربی ضعیف آن در سطح فردی بوده است. در نظریه فشار کلاسیک، محققان معمولاً فشار را به عنوان شکاف بین آرزوها و انتظارات شغلی و آموزشی بررسی کردند که حمایت از نظریه فشار در این شکل ضعیف بوده است. با این حال، گرچه برخی از تحقیقات از طریق سنجش فشار به عنوان شکاف بین اهداف اقتصادی و آرزوهای تحصیلی از تئوری فشار حمایت کردند، قدرت تبیینی متغیرهای فشار در ارزیابی با متغیرهایی از سایر تئوری‌ها (مثل تئوری کنترل و یادگیری اجتماعی) ضعیف بوده است (مازرول^۱، ۱۹۹۸: ۶۷). در تلاش برای احیای مجدد تئوری فشار در سطح فردی، اگنیو در سال (۱۹۹۲) نظریه فشار عمومی را در ادامه نظریه‌های قبلی فشار توسعه داد (وق^۲، ۲۰۱۱: ۱۷). مطابق با نظریه فشار عمومی، فشار به عنوان روابط منفی با دیگران تعریف می‌شود: روابطی که در آن دیگران آن‌گونه که فرد می‌خواهد با او رفتار شود، رفتار نمی‌کنند (ساویج^۳، ۲۰۱۱: ۳۸؛ اگنیو، ۱۹۹۲: ۴۸؛ وارهام^۴، ۲۰۰۵: ۲۲). برخلاف نظریه‌های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید داشت (سیگل و سینا^۵، ۱۹۹۷: ۱۶۹). از این رو، وی در نظریه فشار عمومی خود به سه منبع اصلی فشار اشاره می‌کند که این منابع عبارتند از:

¹ Mazerolle

² Vegh

³ Savage

⁴ Wareham

⁵ Siegel & Sienna

فشار ایجاد شده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف

ارزشمند مثبت^۱

بر اساس اولین جزء از نظریه فشار عمومی آگنیو، افرادی که در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت خود شکست می‌خورند، فشار را تجربه خواهند کرد (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۷). این نوع از فشار خود به سه مقوله فرعی تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از: الف) گسست میان آرزوها و توقعات؛ ب) گسست میان توقعات و دستاوردهای واقعی^۲؛ ج) گسست میان پیامدهای مورد انتظار^۴ و پیامدهای واقعی^۵ (بلونیز^۶ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۵۰: ۱۵۰).

حذف محرک‌های ارزشمند مثبت^۷

دومین منبع فشار، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت را در بر می‌گیرد. این نوع از فشار شامل ترس از دست دادن یا از دست دادن واقعی محرک‌های ارزشمند مثبت است. آگنیو استدلال می‌کند که افراد ممکن است سعی کنند تا از دست دادن این محرک‌ها جلوگیری کنند و در نتیجه ممکن است خودشان را در اعمال خلاف درگیر کنند (پک، ۲۰۱۱: ۱۳)؛ برای مثال، از دست دادن دوست پسر یا دوست دختر، مرگ یا بیماری و خیم یک دوست، انتقال به یک مدرسه جدید، طلاق یا جدایی والدین، اخراج شدن از مدرسه و وجود شرایط ناسازگار متنوع در کار می‌تواند موجب فشار باشد (گالوپ^۸، ۲۰۰۶: ۱۱). به طور کلی، هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه مثبت را از او گرفتند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از مواد غیرمجاز دارد، نتیجه آن ممکن است بزهکاری باشد (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶).

حضور محرک‌های منفی^۹

سومین منبع فشار، از طریق مواجهه با محرک‌های منفی یا مضر ایجاد می‌شود. محرک‌های مضر یا منفی، موقعیت‌های قدرتمندی هستند که افراد، خصوصاً جوانان، به آسانی نمی‌توانند از آن اجتناب کنند (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶). مثال‌هایی از چنین محرک‌هایی، شامل: کودک آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زدو خورد بین همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹: ۹۹). داده‌های زیادی بیانگر این هستند که ارائه محرک‌های مضر ممکن است، به تجاوز و سایر پیامدهای منفی در شرایط معین منجر شود؛ حتی زمانی که فرار قانونی از چنین محرک‌هایی امکان‌پذیر باشد. زمانی که جوان تلاش می‌کند تا: ۱. از محرک‌های منفی اجتناب یا فرار کند؛ ۲. محرک‌های منفی را کاهش دهد و یا پایان بخشد؛ ۳. دنبال جایگزینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد؛ ۴. از طریق استعمال غیرقانونی مواد مخدر پیامد آثار محرکات منفی را خنثی کند. محرک مضر ممکن است به بزهکاری منجر شود (آگنیو، ۱۹۹۲: ۵۸).

فشار منزلتی^{۱۰} و رابطه‌ای^{۱۱} و خودکشی

زمانی که فرد برای دستیابی به یک منزلت خاص استرس را تجربه می‌کند و آن منزلت برای فرد در جامعه مهم است، فشار منزلتی اتفاق می‌افتد. شاخص‌های بالقوه فشار منزلتی برای نوجوانان موفقیت‌های تحصیلی پایین‌تر و مشغولیت در مدرسه را شامل می‌شود. وات و شارپ در سال (۲۰۰۱) دریافتند که فشار منزلتی برای نوجوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده برای ایده‌پردازی خودکشی است. همچنین، موفقیت تحصیلی از طریق نمره معدل توسط لوینسون و همکاران در سال (۱۹۹۶) برای بررسی فشار منزلتی نوجوانان

¹ Failure Achieve positively Valued stimuli

² Bergeron

³ Actual Achievements

⁴ Expected outcome

⁵ Actual outcome

⁶ Blevins

⁷ Removal of positively valued stimuli

⁸ Gallupe

⁹ The presentation of Negative Stimuli

¹⁰ Status strain

¹¹ Relational strain

مسأله یا کنار آمدن با ماهیت رفتارهای بزهکارانه یا رفتارهای مخاطره‌آمیز تأکید دارد. در این مورد، رفتارهای خودکشی‌گرا به عنوان رفتاری نابهنجار یا بزهکارانه در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به صورت واضح‌رهای برگشت‌ناپذیر از فشار و نیز احساسات منفی مرتبط با آن و همچنین، یک واکنش احساس محور را در ناتوانی برای رهایی نشان دهد (والز و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۲).

فرضیه‌های تحقیق

- تمایل به خودکشی تابعی مثبت از حذف محرک ارزشمند مثبت است.
- تمایل به خودکشی تابعی مثبت از قرار گرفتن در معرض محرک منفی است.
- دانشجویان با فشارهای منزلتی احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند.
- دانشجویان با فشارهای رابطه‌ای احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند.
- دانشجویانی که از افسردگی و خشم بالاتری برخوردارند، احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند.
- دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند.
- دانشجویانی که رفتارهای انحرافی بیشتری را تجربه کردند، احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند.
- بین منابع فشار با حالات عاطفی منفی رابطه مثبت وجود دارد.

طرز کار و مطالعه

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی^۱ و از طرح تحقیق مقطعی^۱ است، که در آن برای گردآوری داده‌ها از تکنیک

ارزیابی شد. آنها نیز دریافتند که رابطه معنی‌داری بین منزلت (معدل کم) و ایده‌پردازی خودکشی در میان نوجوانان وجود دارد. هنگامی که فرد در تلاش برای داشتن یک رابطه مثبت با خانواده و همالانش، استرس را تجربه می‌کند، فشار رابطه‌ای اتفاق می‌افتد. فشار رابطه‌ای (رابطه با همالان و رابطه با پرستار) توسط محققان پیش‌بینی‌کننده مهمی برای ایده‌پردازی خودکشی بوده‌اند. وات و شارپ در سال ۲۰۰۱ دریافتند که فشارهای رابطه‌ای زمانی که دو متغیر جنسیت و قومیت کنترل شدند، با ایده‌پردازی خودکشی در میان نوجوانان در ارتباط بوده است. رابطه با خانواده و همالان (برای مثال، فروپاشی روابط یا نزاع با والدین) به طور ویژه منابع مهمی از فشار بودند که موجب رفتار و ایده‌پردازی خودکشی می‌شدند. به طور کلی، دو نوع فشار منزلتی و رابطه‌ای، برای تبیین اینکه چرا برخی از نوجوانان محتمل‌ترند تا نسبت به سایر نوجوانان ایده‌پردازی خودکشی داشته باشند، می‌توانند به عنوان دو عامل مهم بررسی شوند.

کاربرد نظریه فشار عمومی برای بررسی خودکشی

یکی از محدودیت‌های کار دورکیم در نظریه کلاسیک او درباره خودکشی این بود که او به جای مطالعه تعاملات فردی در متن جامعه بر مطالعه گروه‌هایی از افراد در جامعه پرداخته بود (دیرکز، ۲۰۰۷: ۱۰). این نظریه، بر روی روابط منفی با دیگران که ممکن است از دستیابی فرد به اهداف ارزشمند مثبت جلوگیری کند و همین‌طور ممکن است که او را به سمت محرک‌های منفی هدایت کند، تأکید می‌کند. جوانانی که تحت فشار قرار می‌گیرند، از طریق حالات عاطفی منفی مثل خشم و احساسات مرتبط با آن، به سمت رفتارهای بزهکارانه تمایل پیدا می‌کنند و این احساسات اغلب پیامد روابط منفی با دیگران هستند. نظریه فشار عمومی در جایی که رفتار منفی ممکن است: ۱- وسیله‌ای برای فرار از موقعیت‌های آزارنده باشد و یا ۲- هنگامی که فرار ممکن نیست، در نتیجه از طریق احساسات بیرونی (مثل خشم) وارد عمل می‌شود، به حل

^۱ Survey

فشار منزلتی اتفاق می‌افتد (دیرکز، ۲۰۰۷: ۱۰). برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم فشار منزلتی از دو بعد منزلت میان‌فردی و مشغولیت در دانشگاه استفاده شده است. از مجموع شش گویه برای سنجش مفهوم فشار منزلتی، یک گویه مربوط به بعد منزلت میان فردی و پنج گویه مربوط به بعد مشغولیت در دانشگاه است. تدوین گویه‌های فشار منزلتی بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (وات و شارپ، ۲۰۰۱؛ دیرکز، ۲۰۰۷).

فشار رابطه‌ای

هنگامی که فرد در تلاش برای داشتن یک رابطه مثبت با خانواده و همالانش، استرس را تجربه می‌کند، فشار رابطه‌ای اتفاق می‌افتد (دیرکز، ۲۰۰۷: ۱۱). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر فشار رابطه‌ای، از سه بعد رابطه منفی با خانواده، رابطه منفی با اساتید و دانشگاه و رابطه منفی با دوستان استفاده شده است. تدوین گویه‌های این مقیاس بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (ویلیامز، ۲۰۰۸؛ وات و شارپ، ۲۰۰۱؛ دیرکز، ۲۰۰۷؛ پیک، ۲۰۱۱).

حذف محرک مثبت

این مقوله از فشار، شامل آن دسته از رویدادها یا شرایطی است که در آن فرد برخی از چیزهای ارزشمند را از دست داده یا ترس از دست دادن آنها را دارد (اسواگر، ۲۰۱۱: ۸). مثال‌هایی از این مقوله عبارتند از: مرگ معشوقه، قطع کردن رابطه با یک دیگری مهم، از دست دادن یک شغل یا پایگاه با ارزش و سرقت اموال شخصی، مرگ یا بیماری جدی دوستان، طلاق یا جدایی والدین (همان؛ آگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷). معیار سنجش حذف محرک مثبت در این تحقیق بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (رابرتسون و همکاران، ۲۰۱۰؛ مازرول، ۱۹۹۸؛ فیوم، ۲۰۰۳؛ پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۰؛ فرانسیس، ۲۰۰۷؛ ژانگ و جانسون، ۲۰۰۳؛ کاستر و زینو، ۲۰۱۰) که شامل ۱۰ گویه است. بر این اساس، با ارائه فهرستی از حوادث منفی زندگی از قبیل طلاق یا جدایی والدین، مرگ یک دوست، مشکلات

پرسشنامه استفاده شده است. جمعیت تحقیق پژوهش حاضر، شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر (۹۹۴۰) دانشگاه مازندران است که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای انتخاب حجم نمونه در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب استفاده شده است و حجم نمونه نیز با فرمول کوکران ۳۷۰ محاسبه شد، اما از آنجا که پیش‌بینی می‌شد، برخی پرسشنامه‌ها ناقص تحویل داده شود یا بخشی از آنها مفقود گردد، لذا تعداد ۴۵۰ پرسشنامه توزیع گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، نهایتاً ۴۳۸ پرسشنامه تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار spss از آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون چند گانه) استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار محتوا استفاده شد. برای تعیین پایایی این تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول (۱) نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته و ابعاد متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
فشار منزلتی	۶	۰/۷۴
فشار رابطه‌ای	۱۲	۰/۷۹
حذف محرک مثبت	۱۰	۰/۵۹
وجود محرک منفی	۱۱	۰/۷۷
احساسات منفی	۱۷	۰/۹۰
رفتارهای انحرافی	۱۲	۰/۷۷
تمایل به خودکشی	۵	۰/۷۵

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

فشار منزلتی

هنگامی که فرد برای دستیابی به یک منزلت خاص استرس را تجربه می‌کند و آن منزلت برای فرد در جامعه مهم است،

¹ Cross-sectional

۲۰۰۷؛ سیگفودوتیر، ۲۰۰۸؛ دیرکز، ۲۰۰۷؛ گالوپ، ۲۰۰۶؛ آسلتین و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۰؛ وق، ۲۰۱۱).

رفتار انحرافی

انحراف می‌تواند به عنوان یک عمل ناهم‌نوا با مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد پذیرش اکثر مردم در یک اجتماع و یا جامعه باشد، تعریف شود. رفتاری که به نحوی، دور از آن چیزی است که یک گروه انتظار انجام آن را دارند، تخطی از هنجارهای مورد وفاق یا قوانین اجتماعی که واکنش‌هایی مانند مخالفت، ترس، سوءظن، خصومت و خشم را در پی خواهد داشت. برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر رفتار انحرافی مجموعاً از دوازده گویه استفاده شده و تدوین گویه‌های آن نیز بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (مون و همکاران، ۲۰۰۷؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ ویلیامز، ۲۰۰۸؛ خاکزاد، ۱۳۹۱؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

تمایل به خودکشی

اصطلاح تمایل به خودکشی به طیفی از اظهارات خودکشانه^۳ اشاره دارد که از تفکر در مورد خودکشی (مثل ایده‌پردازی خودکشانه) تا ارائه یک طرح، اقدام به خودکشی و نهایتاً خودکشی کامل را در بر می‌گیرد (فلامنباوم^۴، ۲۰۰۹: ۱). تدوین گویه‌های تمایل به خودکشی بر اساس مقیاس تمایل به خودکشی تورلیندسون و جرنیسون (۱۹۹۸) است. این مقیاس از پنج گویه تشکیل شده است که دارای دو بعد ایده‌پردازی خودکشی و اقدام عملی برای خودکشی است.

یافته‌های تحقیق

مالی خانواده و ... از پاسخگویان پرسیده شد که آیا هر یک از این حوادث برای شما در طول یک‌سال گذشته اتفاق افتاده است یا خیر. لذا پاسخ به هر یک از سؤال‌های این متغیر به صورت دو مقوله‌ای (بله/خیر) بوده است.

حضور محرک منفی

حضور محرک منفی به عنوان منبعی از فشار ممکن است به فعالیت‌های بزهکارانه یا مجرمانه منجر شود. محرک منفی به افزایش چیزهایی اشاره دارد که در زندگی یک فرد منفی بوده و چندان مطلوب نیستند (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۸). مثال‌هایی از این محرک‌های منفی عبارتند از: سوء استفاده جسمی، جنسی یا روحی، بیکاری طولانی مدت، تنبیه فیزیکی (آسلین^۱، ۲۰۰۹: ۱۰) روابط منفی با همالان، خانواده و معلمان (فرانسیس، ۲۰۰۷: ۱۹). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر حضور محرک منفی از سه بعد روابط منفی با همسالان، فشار مالی و فشار تحصیلی استفاده شده است. تدوین گویه‌های این مقیاس بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (وارهام، ۲۰۰۵؛ اکرم، ۲۰۰۹؛ مون و همکاران، ۲۰۰۷).

حالات عاطفی منفی

به اعتقاد اگنیو، افرادی که با افسردگی، ناامیدی و یأس به موقعیت فشارزا واکنش نشان می‌دهند، ممکن است به اعمال خود تخریبی مانند مصرف مواد یا خودکشی روی بیاورند، چون آنها فاقد انگیزه‌ای قوی برای انتقام (دراپلا^۲، ۲۰۰۶: ۷۵۶). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر احساسات منفی در این تحقیق از دو بعد افسردگی و خشم استفاده شده است. از مجموع هفده گویه برای متغیر حالات عاطفی منفی بعد افسردگی دارای ده گویه و بعد خشم نیز دارای هفت گویه است. تدوین گویه‌های این مقیاس نیز بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (پورسر، ۲۰۱۰؛ پیک، ۲۰۱۱؛ های، ۲۰۱۰؛ والاک،

^۳ suicidal manifestations

^۴ Flamenbaum

^۱ Aseltine

^۲ Drapela

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی تمایل به خودکشی پاسخگویان بر حسب جنسیت

ردیف	گویه	شدت	پسر		دختر		جمع کل	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آیا تاکنون فکر اقدام به خودکشی به ذهنتان خطور کرده است؟	خیر	۱۰۲	۶۸/۵	۱۹۶	۶۷/۸	۲۹۸	۶۸
		۱ تا ۲ بار	۳۲	۲۱/۵	۶۷	۲۳/۲	۹۹	۲۲/۶
		۳ تا ۴ بار	۴	۲/۷	۱۳	۴/۵	۱۷	۳/۹
		۵ تا ۶ بار	۳	۲	۱	۰/۳	۴	۰/۹
		۷ بار و بیشتر	۸	۵/۴	۱۲	۴/۲	۲۰	۴/۶
۲	آیا تا کنون به طور جدی در مورد اقدام به خودکشی فکر کرده‌اید؟	خیر	۱۲۴	۸۳/۲	۲۵۲	۸۷/۲	۳۷۶	۸۵/۸
		۱ تا ۲ بار	۱۶	۱۰/۷	۲۶	۹	۴۲	۹/۶
		۳ تا ۴ بار	۳	۲	۵	۱/۷	۸	۱/۸
		۵ تا ۶ بار	۱	۰/۷	۲	۰/۷	۳	۰/۷
		۷ بار و بیشتر	۵	۳/۴	۴	۱/۴	۹	۲/۱
۳	آیا تا کنون در مورد برنامه‌ریزی برای خودکشی با کسی حرف زده‌اید؟	خیر	۱۲۸	۸۵/۹	۲۵۵	۸۸/۲	۳۸۳	۸۷/۴
		۱ تا ۲ بار	۱۳	۸/۷	۲۶	۹	۳۹	۸/۹
		۳ تا ۴ بار	۴	۲/۷	۶	۲/۱	۱۰	۲/۳
		۵ تا ۶ بار	۱	۰/۷	-	-	۱	۰/۲
		۷ بار و بیشتر	۳	۲	۲	۰/۷	۵	۱/۱
۴	آیا تاکنون (در طول عمرتان) دست به خودکشی زده‌اید؟	خیر	۱۴۳	۹۶	۲۷۵	۹۵/۲	۴۱۸	۹۵/۴
		۱ تا ۲ بار	۴	۲/۷	۸	۲/۸	۱۲	۲/۷
		۳ تا ۴ بار	۲	۱/۳	۵	۱/۷	۷	۱/۶
		۵ تا ۶ بار	-	-	۱	۰/۳	۱	۰/۲
		۷ بار و بیشتر	-	-	-	-	-	-
۵	آیا در طی یک‌سال گذشته مبادرت به خودکشی کرده‌اید؟	خیر	۱۴۶	۹۸	۲۸۱	۹۷/۲	۴۲۷	۹۷/۵
		۱ تا ۲ بار	۳	۲	۸	۲/۸	۱۱	۲/۵
		۳ تا ۴ بار	-	-	-	-	-	-
		۵ تا ۶ بار	-	-	-	-	-	-
		۷ بار و بیشتر	-	-	-	-	-	-

جدول ۲ توزیع فراوانی و درصدی تمایل به خودکشی پاسخگویان را بر حسب جنسیت نشان می‌دهد. اعداد مندرج در جدول فوق گویای آن است که بیشترین میزان موافقت از سوی پاسخگویان نسبت به گویه «آیا تا کنون فکر اقدام به خودکشی به ذهنتان خطور کرده است؟» ابراز شده است؛ به طوری که ۴/۶ درصد از آنان اعلام کردند که تاکنون هفت بار و بیشتر در مورد خودکشی فکر کرده‌اند. همچنین، ۲۲/۶

درصد از آنان اعلام نمودند که تا کنون یک تا دو بار فکر خودکشی به ذهنتان خطور کرده است. حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان نیز با گزینه خیر به این گویه پاسخ دادند. پس از آن حدود ۲/۱ درصد از پاسخگویان تا کنون هفت بار و بیشتر و ۹/۶ درصدشان یک تا دو بار به صورت جدی در مورد خودکشی فکر کرده‌اند. ۸۵/۸ درصد از آنان نیز با انتخاب گزینه خیر به این گویه پاسخ دادند. بیشترین میزان مخالفت

۲/۵ درصد از پاسخگویان یک تا دو بار طی یک‌سال گذشته به آن مبادرت نموده‌اند و هیچ کدام از پاسخگویان بیش از ۱ تا ۲ بار به این عمل اقدام ننموده‌اند.

نیز به گویه اقدام به خودکشی در طی یک‌سال گذشته اختصاص داده شده است؛ به طوری که ۹۷/۵ درصد از پاسخگویان با انتخاب گزینه خیر به آن پاسخ دادند. حدود

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان فشار منزلتی

جنسیت	پسر	دختر	جمع		فشار منزلتی
			تعداد	درصد	
کم	تعداد ۴۰	تعداد ۱۱۶	تعداد ۱۵۶	درصد ۳۵/۶	
متوسط	تعداد ۸۷	تعداد ۱۵۹	تعداد ۲۴۶	درصد ۵۶/۲	
زیاد	تعداد ۲۲	تعداد ۲۲	تعداد ۳۶	درصد ۸/۲	
جمع کل	تعداد ۱۴۹	تعداد ۲۸۹	تعداد ۴۳۸	درصد ۱۰۰	

پاسخگویان فشار منزلتی کم و متوسط از خود نشان داده‌اند که در این میان درصد دختران (۹۵/۹ درصد) بیشتر از پسران (۸۷/۹ درصد) است. به طور کلی، داده‌ها نشان می‌دهد که پاسخگویان پسر بیشتر از پاسخگویان دختر فشار منزلتی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند.

برای ساختن این متغیر، ابتدا متغیر آرزوی فرد برای ادامه تحصیل با گویه‌های مربوط به این متغیر با هم ترکیب و سپس رتبه‌بندی شده است. بر اساس داده‌های جدول ۲، ۵۱/۴ درصد (۲۲۵ نفر) از پاسخگویان میزان فشار منزلتی خود را در حد متوسط و ۴۱/۸ درصد (۱۸۳ نفر) در حد کم گزارش کرده‌اند. بدین‌سان، می‌توان این گونه بیان کرد که حدود ۹۳/۲ درصد

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان فشار رابطه‌ای

جنسیت	پسر	دختر	جمع		فشار رابطه‌ای
			تعداد	درصد	
کم	تعداد ۵۵	تعداد ۱۵۳	تعداد ۲۰۸	درصد ۴۷/۵	
متوسط	تعداد ۸۴	تعداد ۱۲۴	تعداد ۲۰۸	درصد ۴۷/۵	
زیاد	تعداد ۱۰	تعداد ۱۲	تعداد ۲۲	درصد ۵	
جمع کل	تعداد ۱۴۹	تعداد ۲۸۹	تعداد ۴۳۸	درصد ۱۰۰	

حد زیاد گزارش کرده‌اند. علاوه بر این، ۶/۷ درصد از پسران در مقابل ۴/۲ درصد از دختران میزان فشار رابطه‌ای را در حد زیاد اعلام نمودند. بر این اساس، می‌توان گفت پسران میزان بیشتری از فشار رابطه‌ای را در روابط خویش تجربه کرده‌اند.

همان‌گونه که داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهند، حدود ۴۷/۵ درصد از پاسخگویان میزان فشار رابطه‌ای را به طور مشابه در حد کم و متوسط در روابط خویش ارزیابی می‌کنند. این در حالی است که تنها ۵ درصد از آنها ارزیابی‌شان را در

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مستقل تحقیق بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	Std.D	t	Sig
فشار منزلی	پسر	۱۸/۱۴	۴/۲۱	۴/۲۵	۰/۰۰۰
	دختر	۱۶/۵۱	۳/۷۰		
فشار رابطه‌ای	پسر	۹۱/۹۵	۴۱/۰۶	۳/۴۴۷	۰/۰۰۱
	دختر	۷۸/۳۱	۳۸/۲۵		
حذف محرک مثبت	پسر	۱۲/۶۵	۱/۸۹	۴/۴۳۷	۰/۰۰۰
	دختر	۱۱/۸۷	۱/۶۵		
حضور محرک منفی	پسر	۱۳۹/۶	۴۹/۴۳	۴/۰۷۳	۰/۰۰۰
	دختر	۱۲۰/۳۷	۴۵/۶۲		
احساسات منفی	پسر	۶۱/۳۱	۳۷/۷۷	۱/۳۷۰	۰/۱۶۴
	دختر	۵۶/۱۸	۳۵/۷۹		
رفتارهای انحرافی	پسر	۲۰/۴۸	۷/۵۶	۷/۳۵۹	۰/۰۰۰
	دختر	۱۵/۵۲	۴/۵۰		

جدول ۵ نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مستقل را بر حسب جنسیت پاسخگویان به نمایش گذاشته است. همان‌گونه که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین میانگین فشار منزلی و رابطه‌ای پسران و دختران با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۰ وجود داشته است. بر این اساس، پسران نسبت به دختران میزان بیشتری از فشار رابطه‌ای و منزلی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند. همچنین،

بر طبق نتایج آزمون t مشخص شد که میانگین حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی و رفتارهای انحرافی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰)، در بین پسران از دختران بیشتر بوده است و این تفاوت به لحاظ آماری نیز معنادار است. و در نهایت نیز مشخص شد بین میانگین احساسات منفی در بین پسران و دختران (با سطح معناداری ۰/۱۶۴) تفاوت معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد.

جدول ۶- تمایل به خودکشی و ابعاد آن با کنترل اثر متغیر جنسیت و رفتارهای انحرافی و متغیرهای تعاملی

متغیرهای مستقل		ایده‌پردازی خودکشی		اقدام به خودکشی		تمایل به خودکشی	
		بتا	sig	بتا	sig	بتا	sig
فشار منزلی		۰/۱۴۵	۰/۰۰۵	۰/۰۶۳	۰/۲۸۶	۰/۱۴۰	۰/۰۰۷
فشار رابطه‌ای		۰/۱۳۵	۰/۰۱۵	۰/۰۴۶	۰/۴۶۲	۰/۱۲۷	۰/۰۲۳
حذف محرک مثبت		۰/۱۵۰	۰/۰۰۱	۰/۰۷۶	۰/۱۴۳	۰/۱۴۷	۰/۰۰۱
حضور محرک منفی		۰/۰۰۴	۰/۹۳۷	۰/۰۸۵	۰/۱۷۱	۰/۰۲۱	۰/۶۹۸
متغیر میانجی							
عواطف منفی		-۰/۱۵۵	۰/۶۳۴	۰/۱۲۸	۰/۷۳۳	-۰/۱۰۹	۰/۷۴۱
جنسیت		۰/۰۲۳	۰/۷۸۴	۰/۰۱۷	۰/۸۶۲	۰/۰۲۴	۰/۷۸۲
کنترلی		-۰/۰۹۳	۰/۳۰۸	۰/۰۲۸	۰/۷۸۹	-۰/۰۷۵	۰/۴۱۴
متغیرهای تعاملی							
جنسیت × عواطف منفی		-۰/۰۱۴	۰/۹۶۴	-۰/۲۰۲	۰/۵۶۹	-۰/۰۵۴	۰/۸۶۴
رفتارهای انحرافی × عواطف منفی		۰/۳۴۳	۰/۲۶۹	-۰/۳۳۱	۰/۳۵۲	۰/۲۳۱	۰/۴۶۱
جنسیت × رفتارهای انحرافی × عواطف منفی		۰/۲۰۸	۰/۴۱۷	۰/۵۰۱	۰/۰۸۹	۰/۲۸۴	۰/۲۷۲
خلاصه مدل							
R		۰/۵۵۸		۰/۲۹۹		۰/۵۴۳	
R square		۰/۳۱۱		۰/۰۹۰		۰/۲۹۵	
F Value ^۱		۱۹/۲۵۸		۴/۲۰۵		۱۷/۸۲۵	

^۱ تمامی مقادیر F در سطح بالای آماری (P=0/000) معنادار بوده است.

طور همزمان ۵۴ درصد با تمایل به خودکشی در ارتباط هستند. ضریب تعیین (R^2) نیز تقریباً ۳۰ درصد محاسبه شده است. همچنین، ضرایب تأثیر استاندارد گویای این است که از میان یازده متغیر وارد شده به مدل، متغیرهای حذف محرک مثبت ($Beta=0/147$)، فشار منزلتی ($Beta=0/140$) و فشار رابطه‌ای ($Beta=0/127$) به ترتیب قویترین پیش‌بینی‌کنندگی‌های متغیر تمایل خودکشی بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، خودکشی سومین علت عمده مرگ در گروه سنی ۲۴-۱۵ سال و دومین علت عمده مرگ در میان دانشجویان محسوب می‌شود. پس می‌توان گفت دانشجویان به عنوان قشر جوان جامعه، از جمله گروه‌های سنی آسیب‌پذیر در برابر خودکشی هستند. از این رو، هدف از تحقیق حاضر، سنجش و آزمون مدل نظری بود که در آن عوامل متعددی در ارتباط با تمایل به خودکشی در میان دانشجویان بررسی شود. به منظور آزمون فرضیات اصلی پژوهش، متغیر تمایل به خودکشی به عنوان متغیر وابسته در ارتباط با متغیرهای فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای، حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی، حالات عاطفی منفی و رفتارهای انحرافی قرار گرفت. از تجزیه و تحلیل یافته‌ها در قالب روش‌های آماری فوق، نتایج زیر به دست آمده است:

فرضیه‌ای که تمایل به خودکشی را تابعی مثبت از حذف محرک مثبت ارزشمند می‌دانست، تأیید شد. فشار ممکن است به این خاطر رخ دهد که فرد محرکی ارزشمند را از دست داده یا ترس از دست دادن آن را دارد (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷). بر این اساس، به موازات افزایش محرک‌های مثبت حذف شده برای فرد، میزان تمایل به خودکشی نیز افزایش می‌یابد. به استدلال اگنیو، هنگامی که افراد سعی می‌کنند تا از دست دادن این محرک‌ها جلوگیری کنند، خودشان در اعمال خلاف درگیر می‌شوند (پک، ۲۰۱۱: ۱۳). حذف محرک مثبت در قالب معرف‌هایی از رویدادهای منفی زندگی، از قبیل: مرگ

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که در بعد ایده‌پردازی همبستگی چندگانه (R) معادل ۵۶ درصد محاسبه شده است. این مطلب گویای این است که چهار متغیر مستقل (متغیر فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای، حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) و متغیرهای تعاملی به طور همزمان ۵۶ درصد با بعد ایده‌پردازی در ارتباط هستند. ضریب تعیین (R^2) نیز ۳۱ درصد محاسبه شده است؛ به این معنی که حدود ۳۱ درصد از تغییرات ایده‌پردازی خودکشی توسط یازده متغیر نامبرده در بالا توضیح داده می‌شود. همچنین، ضرایب تأثیر استاندارد حاکی از آن است که متغیرهای حذف محرک مثبت ($Beta=0/150$)، فشار منزلتی ($Beta=0/145$) و فشار رابطه‌ای ($Beta=0/135$) به ترتیب مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر ایده‌پردازی خودکشی هستند.

در بعد اقدام به خودکشی همبستگی چندگانه (R) معادل ۳۰ درصد محاسبه شده است؛ به این معنی که چهار متغیر مستقل (متغیر فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای، حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) و متغیرهای تعاملی به طور همزمان ۳۰ درصد با اقدام به خودکشی در ارتباط هستند. ضریب تعیین (R^2) نیز ۹ درصد محاسبه شده است؛ یعنی ۹ درصد از تغییرات اقدام به خودکشی در دانشجویان از طریق یازده متغیر مذکور توضیح داده می‌شود. از بین یازده متغیر وارد شده به روش جبری در مدل، هیچ‌کدام از آنها با متغیر اقدام به خودکشی ارتباط معناداری را نشان نداده‌اند. بر اساس داده‌های جدول در متغیر تمایل به خودکشی همبستگی چندگانه (R) معادل ۵۴ درصد محاسبه شده است. بر این اساس چهار متغیر مستقل (متغیر فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای، حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) و متغیرهای تعاملی به

بوده است. یافته‌های تحقیقات قبلی مثل دیرکز (۲۰۰۷) و وات و شارپ (۲۰۰۱) حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین فشار منزلتی و ایده‌پردازی است. همچنین، لوینسون و همکاران (۱۹۹۶) و ریچاردسون و همکاران (۲۰۰۵) به ترتیب در تحقیقشان به این نتیجه رسیدند که بین معدل و ایده‌پردازی خودکشی و موفقیت تحصیلی ضعیف و رفتارهای خودکشانه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

نتایج تحقیق همچنین بیانگر آن است که دانشجویان با فشار رابطه‌ای احتمال بیشتری وجود دارد به خودکشی تمایل داشته باشند. فشار رابطه‌ای زمانی رخ می‌دهد که افراد در تلاش برای داشتن یک رابطه مثبت با خانواده یا همالان خود، استرس را تجربه می‌کنند. از این رو، هر چه فرد در معرض روابط منفی بیشتری با دیگران باشد، تمایل بیشتری به خودکشی خواهد داشت. نتایج پژوهش‌های قبلی مثل: وات و شارپ، ۲۰۰۱؛ پرینستین، ۲۰۰۳؛ هانا، ۲۰۰۴؛ لوینسون و همکاران، ۱۹۹۶؛ پرینستن و همکاران، ۲۰۰۰ نیز وجود این رابطه را تأیید نمودند.

فرضیه دیگری که توانست از آزمون رد عبور نماید، مبنی بر این است که بین منابع فشار با حالات عاطفی منفی رابطه مثبت وجود دارد. به اعتقاد آگنیو، حالات عاطفی منفی عناصر اساسی در نظریه فشار عمومی هستند. افرادی که فشار را تجربه می‌کنند، ممکن است عواطف منفی از قبیل: خشم، افسردگی و یا اضطراب را گسترش دهند که در حقیقت، این عواطف منفی روشی برای تسکین دادن فشار درونی است (علیوردی نیا، ۱۳۸۶: ۹۵). بنابراین، فرضیه آگنیو تأیید شد. این رابطه در بسیاری از تحقیقات خارجی مثل فرانسیس، ۲۰۰۷؛ وق، ۲۰۱۱؛ اسواگر، ۲۰۱۱ تأیید شد و در برخی از تحقیقات مانند پیکوئرو و سیلاک ۲۰۰۴ اثر فشار بر خشم هم در بین دختران و هم پسران مثبت و معنادار است و اثبات می‌کند افرادی که در معرض فشار بیشتری هستند، سطوح بالاتری از خشم را تجربه می‌کنند. به عبارتی واضح‌تر، از میان چهار متغیر وارد شده در مدل، فشار منزلتی تنها با احساس

معشوقه، قطع کردن رابطه با یک دیگری مهم، طلاق یا جدایی والدین، مرگ یا بیماری یک دوست، اخراج شدن از مدرسه و غیره است که در ارتباط مثبت با بزهکاری قرار دارد (آگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷) و به احتمال زیاد به بزهکاری منجر می‌شود، زیرا اغلب در ارتباط با پیوندهای قوی اجتماعی (مثل دلبستگی به خانواده) قرار دارد (فرانسیس، ۲۰۰۷: ۱۹). از این رو، هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه مثبت را از او گرفته‌اند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از وسایل نامشروع و غیر مجاز دارد، ممکن است در رفتارهای انحرافی مثل خودکشی درگیر شود (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶)، چون چنین رفتارهایی به مدیریت یا کاهش وقایع و موقعیت‌هایی که ممکن است سبب فشار در زندگی‌شان شود، کمک می‌کند (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۶). یافته‌های تحقیق حاضر بر اساس متغیر حذف محرک مثبت با نتایج تحقیقات انجام شده توسط روچکین و همکاران در سال ۲۰۰۳؛ وایت و ژانگ در سال (۲۰۰۱) در خصوص ارتباط بین بی‌سرپرستی (به عنوان حذف محرک مثبت) با رفتارهای خودکشانه در گروه‌های غیر آمریکایی و هندی مطابقت داشته است. علاوه بر این، تأیید این فرضیه همسو با تحقیق انجام شده توسط فرانسیس در سال ۲۰۰۷ است که در آن بین از دست دادن یک دیگری مهم به عنوان حذف محرک مثبت و رفتارهای خودکشانه ارتباط معناداری وجود دارد.

یکی دیگر از فرضیه‌هایی که توانست از آزمون رد عبور کند، حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین فشار منزلتی و تمایل به خودکشی دانشجویان است. بر این اساس، هر چه فرد برای رسیدن به یک منزلت خاص که برای او در جامعه مهم است، استرس بیشتری را تجربه کند، تمایل بیشتری نسبت به خودکشی خواهد داشت. فشار منزلتی در پژوهش حاضر دارای دو بعد منزلت میان فردی و مشغولیت در دانشگاه بوده است که یافته‌ها همچنین حاکی از ارتباط مستقیم و معنادار بین فشار منزلتی و ایده‌پردازی خودکشی نیز

جمعیت‌شناختی در سال‌های ۸۵-۸۳ در مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

پناغی، لیلی؛ احمد آبادی، زهره؛ پیروی، حمید؛ ابوالمعصومی، زهرا. (۱۳۸۹). «روند خودکشی دانشجویان در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۷»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، ش ۲، ص ۸۷-۹۸.

خاکزاد، زینب. (۱۳۹۱). تبیین تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی از دیدگاه نظریه فشار عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران. رضایی آدریانی، مرتضی؛ آزادی، آرمان؛ احمدی، فضل‌الله؛ واحدیان عظیمی، امیر. (۱۳۸۶). «مقایسه میزان افسردگی، اضطراب، استرس و کیفیت زندگی دانشجویان پسر و دختر مقیم خوابگاه‌های دانشجویی»، پژوهش پرستاری، دوره ۲، شماره‌های ۳۱-۳۸، ص ۵۴.

عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). مسائل اجتماعی ایران: مجموعه مقالات، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، نشر آگاه. علیوردی‌نیا، اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ موسوی‌چاشمی، ملیحه. (۱۳۸۶). «مطالعه جامعه‌شناختی بزهدکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، ش ۲، ص ۸۳-۱۱۱. علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کارتن خوابی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

علیوردی‌نیا، اکبر؛ رضایی، احمد؛ پیرو، فریبرز. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان نسبت به خودکشی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۴)، شماره چهارم، ص ۱-۱۸.

افسردگی رابطه معناداری از خود نشان داده و هیچ رابطه معناداری بین آن و احساس خشم وجود نداشته است. بر خلاف فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای با دارا بودن سه بعد (رابطه منفی با خانواده، رابطه منفی با اساتید و دانشگاه و رابطه منفی با دوستان) هم در پسران و هم در دختران به افزایش احساسات منفی خشم و افسردگی منجر شده است. از این رو، هرچه میزان فشار رابطه‌ای افزایش یابد، حالات عاطفی منفی (خشم و افسردگی) نیز افزایش می‌یابد. وجود این رابطه در تحقیق باو و همکاران (۲۰۰۴) هم اثبات شده است. بین حذف محرک مثبت و حالات عاطفی منفی نیز رابطه مستقیمی وجود دارد که این رابطه را محققانی همچون پیکوثر و همکاران (۲۰۱۰) و خاکزاد (۱۳۹۱) نیز در پژوهش‌های خود تأیید کردند. در رابطه با حضور محرک منفی نیز نتایج این بخش مبین وجود رابطه مستقیم و معنادار بین حضور محرک منفی و حالات عاطفی منفی است (مون و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۸۴). استروئسکی و منس‌سنر (۲۰۰۰) و وارنر (۲۰۰۳) نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

به طور کلی از بین هشت فرضیه مطرح شده در تحقیق در حالیکه چهار فرضیه مذکور مورد تأیید قرار گرفتند، اما بین متغیرهای حضور محرک منفی، حالات عاطفی منفی، جنسیت، رفتارهای انحرافی و تمایل به خودکشی ارتباط معناداری مشاهده نشده است. از یافته‌های مهم این مطالعه این بود که متغیر حذف محرک مثبت با داشتن بیشترین سهم مهمترین مؤلفه برای تبیین خودکشی در نمونه مورد بررسی می‌باشد. همچنین مفاهیمی دیگر از این نظریه اگنیو یعنی فشار منزلتی و رابطه‌ای نیز از جمله عوامل مهمی می‌باشند که بعد از حذف محرک مثبت بر تمایل به خودکشی اثرگذار بوده‌اند.

منابع

پناغی، لیلی؛ پیروی، حمید؛ ابوالمعصومی، فائزه زهرا؛ سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). «بررسی فراوانی خودکشی دانشجویی و ارتباط آن با خصوصیات

- Blevins, R. Kristie & Johnson, Shelly & Cullen, T. Francis & Jonson, Cheryl Lero. (2010) "A General Strain Theory of Prison Violence and Misconduct: An Integrated Model of Inmate Behavior". *Journal of Contemporary Criminal Justice*. Vol. 26, No. 2:148-166.
- Centers for Disease Control and Prevention. (2007) *Suicide prevention Youth suicide*. Retrieved January 14, 2008, from <http://www.cdc.gov/ncipc/dvp/Suicide/youthsuicide.htm>
- Coster, Stacy, D. & Zito, Rena, C. (2010) "Gender and General Strain Theory: The Gendering of Emotional Experiences and Expressions". *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol. 26, No. 2: 224–245
- Dirks, Aprill, B. (2007) *Suicidal ideation among maltreated adolescents: an application of strain theory*. (Ph.D Thesis). The University of Iowa.
- Drapela, A. Laurie (2006) "The Effect of Negative Emotion on Licit and Illicit Drug Use Among High School Dropouts: An Empirical Test of General Strain Theory". *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 35, 755-770.
- Esposito, C. & Clum, G. (2003) "The Relative Contribution of Diagnostic and Psychosocial Factors in the Prediction of Adolescent Suicidal Ideation". *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, Vol. 32: 386-395.
- Flamenbalum, Ricardo (2009) *Testing Student's Theory Of Suicide: Psychoghe As A Prospective Predictor Of Suicidality And Comparison With Hopelessness*. (Ph.D thesis). Queen's University.
- Francis, A. Kimberly (2007) *Gender Differences in Delinquency and Health Risk Behaviors: A Test of General Strain Theory*. (Ph.D Thesis). The University of Texas at Austin.
- Fiume, Timothy, M. (2003) *Testing strain, control, and differential association theories of juvenile delinquency*. (PH.D Thesis). The Pennsylvania State University.
- Freedenthal, Stacy and Arlene R. Stiffman. (2004) "Suicidal Behavior in Urban American Indian Adolescents: A Comparison with Reservation Youth in a Southwestern State". *Suicide and Life Threatening Behavior*, Vol, 34. No, 2:160-171.
- Gallupe, Owen (2006) *Relational Strain, Gender, Anger and Delinquency among Street Youth*. (M.A Thesis). Queens University Kingston, Ontario, Canada.
- Grossman, David. C. Carol Milligan and Richard A. Deyo. (1991) "Risk Factors for Suicide محمدی نیا، ندا؛ رضایی، محمدعلی؛ سمیعی زاده طوسی، طیبه؛ دربان، فاطمه. (۱۳۹۱). «بررسی فراوانی افکار خودکشی در دانشجویان علوم پزشکی»، فصلنامه افتخار پرستاری، دوره اول، شماره اول، ص ۸۳-۹۱.
- Ackerman, R. Alissa, (2009) *Registered Sex Offenders In The Community :A Test Of Agnew's General Strain Theory*. (Ph.D Thesis). University of New York.
- Agnew, Robert. (1992) "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency". *Criminology*, Vol. 30, No.1: 47-87.
- Agnew, Robert. (1998) "The Approval of Suicide: A Social-Psychological Model". *Suicide and Life-Threatening Behavior*, Vol.28, No.2: 204-225.
- Anderson, R. N. & Smith, B. L. (2003) "Deaths: Leading causes for 2001". *Hyattsville, Maryland: National Center for Health Statistics*, Vol. 52, No. 9: 1-86.
- Asselin, Nicolas (2009) *Using General Strain Theory to Understand Drug and Alcohol Use in Canada: An Examination of how Strain, its Conditioning Variables and Gender are interrelated*. (M.A Thesis). Queen's University.
- Aseltine, R. Gore, S. & Gordon, J. (2000) "Life Stress, Anger and Anxiety, and Delinquency: An Empirical Test of General Strain Theory". *Journal of Health and Social Behavior*, Vol. 41: 256-275.
- Barrios, Lisa C. Everett, S. A. Simon, T. R. & Brener, N. D. (2000) "Suicide Ideation among US College Students Associations with Other Injury Risk Behaviors". *Journal of American College Health*, Vol. 48, No. 5: 229-233.
- Bao, Wan-Ning & Hass, Ain & Pi, Yijun (2004) "Life Strain, Negative Emotions, and Delinquency: An Empirical Test of General Strain Theory in the People's Republic of China", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. 48, No. 3: 281-297.
- Bechtold, Donald W. (1994) "Indian Adolescent Suicide: Clinical and Developmental Considerations". *American Indian and Alaska Native Mental Health Research*, Vol. 4:71-80.
- Bergeron, Lindsey Ellen. (2010). *Female Criminality and Community Reentry: an Examination of General Strain Theory*. Criminal Justice and Political Science. (Ph.D. Thesis). Fargo, North Dakota.

- General Strain Theory and Delinquency". *Crime & Delinquency*, Vol. 54 , No. 4: 582-613.
- Moon, Byongook & Morash, Merry & McCluskey, Cynthia, P. (2009) "A Comprehensive Test of General Strain Theory: Key Strains Situational- and Trait-Based Negative Emotions, Conditioning Factors, and Delinquency". *Journal of Research in Crime and Delinquency*. Vol. 46, No. 12: 182-212.
- Ostrowsky, Michael K. & Messner, Steven. (2005) "Explaining Crime for Young Adult population: An Application of General Strain Theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 33: 436-476.
- Patchin, Justin, W. & Hinduja, Sameer. (2010) "Traditional and Nontraditional Bullying Among Youth: A Test of General Strain Theory". *Youth & Society*, Vol. 43, No. 2: 727-751.
- Peck, H. Jennifer (2011) *General Strain Theory, Race, and Delinquency*. (M.A Thesis). University of South Florida.
- Pelkonen, Mirjami and M. Marttunen. (2003) "Child and Adolescent Suicide: Epidemiology, Risk Factors, and Approaches to Prevention". *Pediatric Drugs*, Vol. 5, No. 4:243-266.
- Prinstein, M. (2003) Social factors: Peer relationships. In A. Spirito, & J. Overholser, (Eds), *Evaluating and treating adolescent suicide attempters: From research to practice* (pp. 191-213). San Diego, CA: Academic Press.
- Prinstein, M. Boergers, J. Spirito, A. Little, T. & Grapentine, W. (2000) "Peer Functioning, Family Dysfunction, and Psychological Symptoms in A Risk Factor Model for Adolescent Inpatients' Suicidal Ideation Severity". *Journal of Clinical Child Psychology*, Vol. 29, No. 3: 392-405.
- Piquero, Nicole Leeper & Sealck, D. Miriam (2004) "Gender and General Strain Theory: A Preliminary Test of Broidy and Agnew's Gender/ GST Hypotheses", *Justice Quarterly*, Vol. 21: 127-158.
- Piquero, L. Nicole & Fox, Kristan & Piquero, R. Alen & Capowich, Gerge and Paul, Mazerolle (2010) "Gender, General Strain Theory , Negative Emotions, and Disordered Eating", *Journal of Youth Adolescence*. Vol. 39, 380-392.
- Purser, Christopher, Wayne. (2010) *The conditioning effects of religiosity on the relationship between strain, negative emotions, and delinquency: a longitudinal assessment of general strain theory*. (PH.D Thesis). Mississippi State University.
- Richardson, A. Bergen, H. Martin, G. Roeger, L. & Allison, S. (2005) "Perceived Academic Attempts Among Navajo Adolescents". *American Journal of Public Health*, Vol, 81. No. 7:869-874.
- Hay, Carter & Meldrum, Ryan (2010) "Bullying Victimization and Adolescent Self-Harm: Testing Hypotheses from General Strain Theory". *Journal of Youth Adolescence*, Vol. 39:446-459.
- Hannah, S. (2004) "Family Characteristics that Influence and Differentiate Adolescent Nonsingle and Multiple Suicide Attempts". *Dissertation Abstracts International: section B: The Sciences and Engineering*, 65 (5-B), pp 2068.
- Hirsch, K. Jameson & Kenneth, R. Conner & Duberstein, R. Paul, (2007) "Optimism and Suicide Ideation Among Young Adult College Students". *Archives of Suicide Research*, Vol. 11, No.2:177-185.
- Hoyert, D.L. K.D. Kochanek and S.L. Murphy (1999) "Deaths: Final Data for 1997". *National Center for Health Statistics', Monthly Vital Statistical Report*, Vol. 47, No.19:1-108.
- Jang, S. J. & Johnson, B. (2003) "Strain, Negative Emotions, and Deviant Coping among African Americans: A Test of General Strain Theory". *Journal of Quantitative Criminology*, Vol.19, No.1: 79-105
- Kaufman, M. Joanne. (2009) "Gendered Responses to Serious Strain: The Argument for a General Strain Theory". *Justice Quarterly*, Vol. 26, No. 3: 410-444.
- Kisch, J. Leino, E. V. & Silverman, M. M. (2005) "Aspects of Suicidal Behavior, Depression and Treatment in College Students: Results from the Spring 2000 National College Health Assessment Survey". *Suicide and Life-Threatening Behavior*, Vol. 35, No.1: 3-13.
- Lewinsohn, E.M. Rhode, E. & Seeley, J. R. (1996) "Adolescent Suicidal Ideation and Attempts: Prevalence, Risk Factors, and Clinical Implications". *Clinical Psychology*, Vol. 3 : 25-46.
- LeMaster, Pamela, Janette Beals, Douglas Novins and Spero Manson.(2004) "The Prevalence of Suicidal Behaviors Among Northern Plains American Indians". *Suicide and Life Threatening Behavior*, Vol. 34, No. 3:242_255.
- Mazerlloe, Paul (1998) "Gender, General Strain, and Delinquency: An Empirical Examination". *Justice Quarterly*, Vol. 15, No, 1: 65-91.
- Moon, Byongook & Blurtonand, David & McCluskey, D. John. (2007) "Focusing on the Influences of Key Strain Characteristics on Delinquency

- strain theory*. (Ph.D Thesis). Northesatern University.
- Walls, L. Melissa & Chapple, L. Constance & Johnson, D. Kurt (2007) "Strain, Emotion and Suicide among Americian Indian Youth". *Deviant Behavior*, Vol. 28, No.3: 219-246.
- Wareham, J. Jennifer (2005) *Strain, Personality Traits, and Deviance among Adolescents: Modeling Factors*. (P h.D Thesis). University of South Florida.
- Warner, Barbara, D. & Fowler, Shannok. (2003) "Strain, and Violence: Testing A General Strain Theory Model in Community Violence", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 31: 521-577.
- Wong, Y. J. Brownson, C. & Schwing, A. E. (2011) "Risk and Protective Factors Associated with Asian American Students' Suicidal Ideation: A Multi-Campus, National Study". *Journal of College Student Development*, Vol. 52, No.4: 396-408.
- World Health Organization (WHO). (2002) *WorldReport on Violence and Health*. Geneva: World Health Organization.
- Wililiams, Dennis (2008) *Gender And General Strain Theory In A Sample of College Student*. (Ph.D.thesis).University of Oklahoma.
- Watt, T. Terling & Sharp, F. Susan (2001) "Gender Differences in Strains Associated with Suicidal Behavior Among Adolescents". *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 30, No. 3: 333-348.
- Wait Lai, Ka and Catherine McBride-Chang. (2001) "Suicidal Ideation, Parenting Style, and Family Climate among Hong Kong Adolescents". *International Journal of Psychology*, Vol. 36, No. 2:81_87.
- Wallack. Cory (2007) *Factors Associated With Suicidal Ideatin Among American College Student: A re-examinatin of the Escape Theoy of Suicide*. (Ph.D Thesis).University of florida.
- Zhang , Jie & Wiczorek, F. William & Conwell, Yeates, Ming Tu, Xin (2011) "Psychological Strains and Youth Suicide in Rural China". *Social Science & Medicine*, Vol. 72, 2003-2010.
- Performance as an Indicator of Risk of Attempted Suicide in Young Adolescents". *Archives of Suicide Research*, Vol. 9. No. 2: 163-176.
- Ruchkin, Vladislov V. Mary Schwab-Stone, Roman Koposov, Robert Vermeirien, R. and R.A. King. (2003) "Suicidal Ideation and Attempts in Juvenile Delinquents". *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, Vol. 44, No. 7: 1058_1066.
- Stack, Steven & Ira, Wasserman (2007) "Economic Strain and Suicide Risk: A Qualitative Analysis". *Suicide & Life - Threatening Behavior*, Vol. 37, No.1:103-112.
- Savage, Jenna Morgan (2011) *Gendered pathways from strain to delinquency during adolescence: an integration of general strain theory and differential gender socialization*. (Ph.D Thesis). Northeastern University.
- Schwartz, A. J. (2006) "College Student Suicide in the United States: 1990–1991 Through 2003–2004". *Journal of American College Health*, Vol. 54, No. 6: 341–352.
- Siegel, Larry and Sienna, Joseph (1997) *Juvenile Delinquency*, Six Edition, West Publishing Company.
- Swagar, Nicolas, A. (2011). *Childhood Abuse, Criminal Victimization, Sex Work, And Substance Use Among Homeless Street Youth: An Application Of General Strain Theory*. (M.A Thesis). Queen's University.
- Sigfusdottir, Inga Dora & Asgeirsdottir ,Bryndis Bjork & Gudjonsson, H. Gisli & Sigurdsson, Jon Fridrik (2008) "A Model of Sexual Abuse's Effect on Suicidal Behavior and Delinquency :The Role of Emotions as Mediating Factors". *Journal of Youth Adolescence*, Vol. 37, 699-712.
- Thorlindsson, T. Bjarnason, T. (1998) "Modeling Durkheim on the Micro Level: A Study of Youth Suicidality", *American Sociological Review*, Vol. 63: 94-110.
- Vegh, Deborah. T. (2011) *College Students and the illicit use of prescription drugs: a test of general*

